

نگاهی به اقتصاد افغانستان

(خاصه هرات)

در دوره دوم طالبان

رسول پویان

اوضاع اقتصادی افغانستان خاصه هرات

در دوره دوم طالبان

پس از به قدرت رسیدن طالبان بار دوم (در معامله با امریکا) آنچه طی 20 سال اخیر ساخته شده بود، فلج و تخریب شد که ولایت هرات به مثابه مرکز عمده اقتصادی افغانستان از آن جمله است. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در افغانستان عمیق، گسترده و شتابنده گردید.

هرات در درازنای تاریخ به سبب منابع و ثروت‌های طبیعی، اقتصادی و انسانی بحیث یکی از قطب‌های مهم اقتصادی در خراسان قدیم و افغانستان امروزی برجستگی داشته و با ظرفیت‌های ترانزیتی و ویژگی‌های بندری همیشه برای کارهای تجارتي مساعد بوده است. تاجران هرات در قرن جاری اگرچه همواره مورد بی‌مهری سران دولت‌های مرکزی بودند؛ لیکن با استعداد فطری و تجارب تاریخی در سطح کشور خوش درخشیده اند.

در عهد پادشاهی ظاهرخان تاجران هرات در تأسیس نخستین بانک افغانستان و توسعه فعالیت‌های بانکی نقش اساسی داشتند. بعد از کودتای هفتم ثور 1357 خورشیدی به سکتور خصوصی ضربات کاری وارد شد. تعداد زیادی از تاجران به سبب سختگیری‌های دولت کابل، جنگ

تحمیلی و ناامنی‌های گسترده به کشورهای خارجی خاصه ایران مهاجر شدند. تجارت به رکود مواجه گردید.

در دوره مجاهدین و طالبان نیز اوضاع اقتصادی هرات بحرانی و ناپایدار بود و موج دوم مهاجرت بعد از تسلط طالبان در دور نخست گسترش یافت. در دوره جمهوریّت هرچند از اقتصاد بازار آزاد صحبت می‌شد؛ اما انارشیزم مافیایی و حلقه محدود انحصاری مافیای اقتصادی در معامله با مافیای قدرت، مافیای خارجی و سران آلوده به فساد دولت کابل هر نوع رشد و انکشاف واقعی را از تاجران و سرمایه‌داران ملی و طبقه متوسط داخلی ربود. تجارت متکی به واردات کالاهای مصرفی بود و اقتصاد مصرفی وابسته در حقیقت جلو رشد و توسعه تولیدات داخلی و صادرات را گرفته بود. دولت فاسد به کمک‌های امریکا و سران ناتو وابستگی همه جانبه داشت.

در دوره دوم طالبان که انتقال قدرت از نظام جمهوری به امارت طالبانی در اثر قرارداد مرموز قطر بین دولت امریکا و سران طالبان صورت گرفت؛ تمام ساختار نظام جمهوریّت متکی بر (قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه) بهم پاشید و به جای آن امارت استبدادی طالبان بر پایه باورهای افراطی، سنتی و قبیله‌یی تک قومی، زن ستیزانه و ضد علم و معارف جانشین شد. در این دوره ما شاهد امواج بزرگ مهاجرت، تبعید اجباری و فرار سرمایه‌های معنوی و مادی از کشور می‌باشیم.

هرات به مثابه قطب اقتصادی، ترانزیتی و تجارتي افغانستان به مانند سایر حوزه‌های اقتصادی کشور (در سده‌ها و ده‌های اخیر) از تبعیض و قوم پرستی حکومت‌های مرکزی، فساد سرسام‌آور اداری و دولتی، ناامنی، نبود زیربنای لازم اقتصادی، سردرگمی و ناپایداری سیاسی و اقتصادی، فروپاشی دولت‌های مرکزی وابسته و عدم برنامه‌ استراتژیک جامع و کارآمد در سطح ملی و محلی رنج برده است.

رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی در پرتو بهره‌وری از امکانات و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه این ولایت به فاکتورهای متذکره نیاز دارد و در پروسه رشد و توسعه درازمدت سالم، توجه به زراعت و مالداري، تجارت و ترانزیت و معادن و صنایع در بستر یک پلان استراتژیک علمی و عملی اهمیت بنیادی می‌داشته باشد.

حکومت ضعیف و تک‌قومی طالبان که مشروعیت ملی، مردمی و بین‌المللی ندارد، از درک و تطبیق پلان و برنامه استراتژیک علمی و عملی بر محور اقتصاد کلان و خرد که رشد، انکشاف و ثبات پایدار را تضمین کند، عاجز است.

نگاه فشرده بر ساختار وجودی و علل ظهور طالبان

حکومت طالبان دارای بافت تک‌قومی، تعصب قبیله‌یی، ماهیت استبدادی و ستمگرانه با روپوش مذهبی است که بر مبنای باورهای متروک سنتی و تبعیض قومی، زبانی و سمتی با نگرش افراطی و سطحی از دین اسلام

شکل گرفته است. ایدئولوژی طالبانی تولید شده در مدارس مذهبی پاکستان در اصل وابسته و در خدمت استعمار نوین می باشد.

طالبان در مدارس مذهبی پاکستان برای ترور، انتحار، تخریب و جنگ علیه رقیبان ناتو و ایالات متحده آمریکا تربیه شده اند و در حقیقت بقایای پوسیده و عقب‌گرای همان جنگ چهل و پنج ساله افغانستان می باشند که در جهان دوقطبی در بین پیمان ناتو و ورشو جریان داشت.

از طالبان نباید توقع دولت داری، نظام سازی، انتخابات مردمی، تدوین قوانین موضوعه روشن و مترقی، برابری قومی، شکل دهی نظام سیاسی اقتصادی پیشرفته و عدالت اجتماعی داشت؛ زیرا طالبان برای درک و تطبیق این اهداف بنیادی و استراتژیک ساخته نشده اند و به آن باور ندارند یا از آن بی‌خبر و دور نگه‌داشته شده اند.

پروژه طالبان سال‌ها پیش در راستای اهداف استراتژیک و جیوپولیتیک آمریکا و ناتو با دالره‌های باد آورده نفتی سرهمبندی شد و در پیوند با اهداف ناتو و آمریکا در اوکراین از 2014 میلادی زمینه برای انتقال قدرت از دولت جمهوری وابسته به آمریکا به امارت طالبانی در خدمت اهداف جیوپولیتیک آمریکا در منطقه آماده گردید و در 15 آگوست 2021 میلادی قدرت به طور کامل به طالبان منتقل شد. بی‌سبب نیست که موضوع افغانستان یکی از محورهای مناظره انتخاباتی بین ترامپ و هریس به تاریخ سه شنبه 10 سپتامبر 2024 میلادی در آمریکا بود. در

دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز توجه خاصی به آن در حال شکل گیری می‌باشد.

پروژه طالبان یک مجموعه بسیار مرموز، پیچیده، ترکیبی و دارای ابعاد بسیار متنوع است که توسط سازمان‌های استخباراتی ناتو، امریکا، اسرائیل و پاکستان طراحی شده و رهبری می‌شود. این پروژه برای ناآرام سازی منطقه در حال و آینده معینه و اخلاص در راه نفوذ اقتصادی و سیاسی چین و روسیه عمل خواهد کرد؛ هرچند طالبان در ظاهر تمایل به روابط با چین و روسیه و هم پیمانان آن‌ها نشان می‌دهند.

در زیر چتر طالبان ده ها سازمان و گروه افراطی و تروریستی جا به جا شده اند و برای اهداف خاص آموزش‌های ایدئولوژیک، نظامی، اطلاعاتی و تروریستی می بینند. اگر طالبان در قدرت بمانند مدارس دینی و مراکز افراطیت پروری بیشتری از پاکستان به افغانستان انتقال داده می‌شود تا برای ناامن سازی تمام آسیای میانه، جنوب آسیا و شرق دور کافی باشد.

گسترش بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تخریب عمومی بعد از انتقال قدرت به طالبان

پیش از آغاز گفتگوهای رسمی بین ایالات متحده امریکا و سران طالبان در قطر پروسه انتقال قدرت به طالبان در راستای اهداف استراتژیک و جیوپولتیک امریکا در آسیا (که با تغییرات سیاسی در اوکراین در 2014

میلادی و بعد شروع جنگ روسیه و اوکراین گره خورده بود)، روی دست گرفته شد و در 15 آگوست 2021 میلادی قدرت به طور پلان شده به طالبان انتقال یافت.

پس از انتقال قدرت به طالبان ساختار سیاسی، نظامی و دولتی را تخریب کردند(قوای سه گانه مقننه، قضائیه و اجرائیه از بین برده شد، ارتش یا اردو و پلیس فروپاشید)، قانون اساسی و انتخابات لغو شد، بیرق ملی کشور به خاک افتاد، بحران اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و انسانی در این کشور بسی گسترش پیدا کرد. ترس و وحشت از تیغ خون آشام طالب تمام جامعه را فرا گرفت.

طالبان پس از تخریب ساختارهای دولت جمهوری در فکر ساختار جدید بر مبنای قانون اساسی، انتخابات و ساخت قوانین لازم موضوعه نشدند و در لابلای گرد و غبار همان ساختار فروپاشیده سابق روز گذرانی می‌کنند. آنان تاکنون به دون یک برنامه منظم و واضح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی می‌باشند و خود و مردم را به چند فرمان تکراری، مبارزه ظالمانه با زنان، بمیان کشیدن امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد رعب و وحشت در جامعه مصروف ساخته اند. به عبارت دیگر چراغ مرده و آسیاب می‌گردد.

سکتورهای اقتصادی، تجارتي، مالی و بانکی ضربات کاری خوردند، رکود اقتصادی فراگیر شد، تولیدات داخلی کاهش یافت و اقتصاد در کل

منقبض و کوچک تر گشت. کمک‌های عمومی خارجی قطع شد.¹ بیکاری اوج گرفت. سرمایه داران و تاجران زیادی با سرمایه های خود از کشور فرار کردند و در ایران، پاکستان و کشورهای دیگر پناه گزیدند.

بار گران حکومت طالبانی قوزی بر قوز مشکل خشک سالی های پی در پی، نا امنی های مزمن دراز دامن (که عامل اصلی خود طالبان بودند) و پی آمدهای بیماری کرونا (کوید-19) افزود.

افراد کارشناس، متخصص و مسلکی در ادارات از وظیفه برکنار شدند و به جای آنان طالبان بی سواد و اشخاص غیرمسلکی و تحصیل نکرده جایگزین گردیدند، (به عبارت دیگر افغانستان به حیث غنایم جنگی در بین طالبان تقسیم شد). میلیون‌ها نفر مجبور به مهاجرت و ترک وطن گردیدند. فرار مغزها (متخصصان و کارشناسان) به اوج خود رسید و همه در دام‌های از پیش طراحی شده غرب افتادند و بحیث نیروی کار ارزان (که با دوران برده داری قدیم فرق چندانی ندارد)، به پای خود وارد بازارهای کار امریکا و کشورهای غربی شدند.

امواج تبعید و کوچ‌های اجباری داخلی، آوارگی و مهاجرت‌های بیرون مرزی دوره دوم طالبان بسیار گسترده تر از موج آوارگی و مهاجرت بعد از کودتای هفتم ثور 1357 خورشیدی و موج آوارگی در دور اول طالبان بوده و می باشد.

¹ اما دولت امریکا مطابق به پلان استراتژیژیک خود میلیارد دالر به طالبان داده است.

بر اساس گزارش سازمان بین المللی مهاجرت در هشتم سپتمبر سال 2024 میلادی تنها در یک هفته بیش از 67 هزار به ایران و بیش از 28 هزار به پاکستان مهاجرت کرده اند و این جریان بعد از انتقال قدرت به طالبان تا کنون به شدت ادامه داشته است. گفته می شود که از سال 2022 میلادی تا حال بیش از هشت میلیون مجبور به ترک خاک وطن شده اند. آمار واقعی خیلی بیش تر از این است.

فقر، گرسنگی، سوء تغذیه و قحطی مخفی و آشکار رو به افزایش نهاد به طوری که تا کنون ادامه دارد. به طور خلاصه، بحران فراگیر اقتصاد، سیاسی و اجتماعی با تخریبات گسترده عمومی در تمام زوایای جامعه طبق نقشه و برنامه های مرموز و پیچیده استعماری روی دست گرفته شده است.

نظام مالی و سیستم بانکی

حکومت طالبان دیدگاه روشن و مشخصی در مورد سیاست های مالی و بانکی ندارد. طالبان با دید افراطی و سخت عقب مانده و غیرعلمی توان و صلاحیت وضع سیاست های مالی و بانکی علمی مطابق به نیازهای اقتصاد کلان و خرد تا پروسه رشد و انکشاف افغانستان را در سطح داخلی، منطقوی و بین المللی تضمین کند، داشته نمی توانند؛ زیرا به علم اقتصاد و دانش پیشرفته بشری باور ندارند و در زیر نفوذ و کنترل سازمان های استخباراتی می باشند.

بعد از آمدن طالبان مشکلات نظام مالی و بانکی افغانستان اوج گرفت. دسترسی به دارایی های خارجی افغانستان منع شد. جریان های مالی و پولی افغانستان با دنیای خارج منجمد گردید، ذخایر ارزی هشت میلیارد دلاری بانک مرکزی که پشتیبان پول داخلی ما بود و در امریکا نگهداری می شد، از اختیار و کنترل حکومت طالبان خارج شد. اقتصاد کلان مملکت گرفتار بحران و بی ثباتی گشت. اعتماد مردم به بانک ها که در گذشته نیز خیلی کم بود، به کلی محدود شد. برای کشیدن اندک مبلغ ارز خارجی صف های بسیار طولانی در جلو بانک ها تشکیل گردید.

طالبان از نگاه ذهنی مشکل اساسی با نظام بانکی و پولی علمی و مدرن دارند؛ زیرا موضوع مهم ربح بانکی، سیستم قرضه ها و وام دهی و ارتباطات بانک ها در بین خودشان و بدهی های بانک ها به مشکل عمده و اساسی رو به رو می شود و طالبان برای آن کدام راه حل گره گشا داشته نمی توانند.

تورم یا انفلاسیون به سبب تزریق میلیاردها دالر توسط سران امریکا به اقتصاد افغانستان تا حدودی مهار شده است که این موقتی است؛ با سیرم امریکایی نظام پولی بیمار طالبانی روی پا ایستاده است. بعد از تعلیق سه ماهه کمک های دلاری امریکا در دولت جدید ترامپ طی چند روز چندین فیصد نرخ دالر در برابر افغانی افزایش یافته است. گویند که از 75 به بیش از 80 تا 90 و 100 افغانی. برای آگاهی سیر نرخ افغانی در برابر دالر به جدول آتی توجه کنید.

سیر نوسانی نرخ افغانی در برابر دالر در درازنای دو دهه اخیر

1393	1392	1391	1390	1389	1388	1387	1386	1385	1384
56	52	50	47	48.5	51	50	50	48	48.5
1403	1402	1401	1400	1399	1398	1397	1396	1395	1394
80	82.5	81.3	78.3	75.2	68.34	67	67	67	57

منبع: 1

نظام مالی در حکومت طالبان وضع بهتری از سیستم ورشکسته بانکی ندارد. دولت‌ها با ابزارهای سیاست مالی در واقع تلاش می‌ورزند تا جریان‌های اقتصادی را در یک کشور تحت تأثیر قرار دهند و ثبات و تعادل لازم اقتصادی را به منظور رشد و انکشاف با دوام و رفاه مردم بوجود آورند. سرمایه‌گذاری‌ها را کم و زیاد کنند. تولیدات داخلی را حمایت و تشویق نمایند، صادرات و واردات را کنترل کنند و خلاصه کارهای افزون خوبی در اقتصاد انجام دهند.

نظام مالی پیشرفته و فعال در واقع از مجموعه بی از بانک‌های خصوصی و دولتی، بازارها و مارکت‌های مالی و خدمات مالی به حاصل می‌آید. سیستم‌های مالی در جامعه امکانات خوب سرمایه‌گذاری و جا به جایی وسایل و ابزارهای مالی را آماده می‌سازند. تخصیص اصولی بودجه میان بخش‌های متنوع اقتصاد را امکان پذیر می‌کنند. اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات مختلفه را قادر می‌سازند تا شرایط و اوضاع اقتصادی آینده را پیش بینی و در مورد خطرات ممکن مشوره کنند و آن

¹ اسناد بودجه دولتی افغانستان، بی بی سی فارسی، 2025/1/16

خطرات را تا اندازه لازم زیر کنترل آورند. این دانش برای شان اطمینان و اعتماد خلق می‌کند.

مالیات را اشخاص حقیقی و حقوقی و افراد جامعه برای دولت‌ها می‌پردازند تا مصارف عمومی در جامعه تأمین شود. این مبالغ مالیاتی الزامی و بلاعوض است. دولت‌ها از این مبالغ برای امور متنوع از جمله ساخت زیربناها، رفاه، آسایش، آرامش مردم و غیره استفاده می‌کنند. مالیات به شکل مستقیم از درآمد و دارایی‌ها اخذ می‌گردد و به صورت غیرمستقیم از حقوق و معاش، عوارض و تعرفه‌های گمرکی، مصارف و ارزش‌های افزوده گرفته می‌شود.

طالبان از این سیاست مالی (خاصه در ولایت هرات) بیشتر به قسمت اخذ مالیات‌های گوناگون به اشکال مختلف از مردم علاقه دارند و از آن به عنوان فشار بر مردم استفاده می‌کنند. طوری که من با تاجران هراتی و مردم مصاحبه کردم. طالبان از صادرات و واردات مالیات، عوارض و تعرفه گمرکی می‌گیرند. از عموم تاجران، شرکت‌ها، کارخانه جات، دوکانداران، پیشه‌وران، کارمندان، خرده‌فروشان دوره‌گرد، بساطی‌ها، عراده جات، منازل، اراضی، خرید و فروش چهارپایان، مسلخ، دهقانان، کارگران و غیره به دون حساب و کتاب و به دون پلان و برنامه اقتصادی (مطابق به نیازهای اقتصاد کلان و خرد جامعه) مالیات (بهتر است بگوییم، باج و خراج) جمع‌آوری می‌کنند تا مصارف دلخواه حکومت طالبانی را با زور و فشار تأمین کنند.

از دهقانان و زمینداران عشر یا ده یک از حاصلات شان می‌گیرند؛ در حالی که خشکسالی‌های پیاپی کمر دهقانان را شکسته است. گویند که تمام مبالغ گردآوری شده از هرات به قندهار پای تخت ملا هبت الله رهبر طالبان انتقال داده می‌شود. بار فشارهای مالیاتی را مردم در هنگام دادن مالیات و در هنگام خریداری‌ها یی که مالیات‌ها سبب افزایش قیمت‌ها می‌شود، تحمل می‌کنند؛ یعنی مردم هم به عنوان مالیه دهنده و هم به عنوان مصرف کنند زیر فشار اند. طالبان اسلام را وسیله قرار داده اند تا ظلم و ستم بر مردم را ماست مالی کنند. معلوم نیست که میلیاردها دالر کمک‌های جاری امریکا به کجا مصرف می‌شود.

هرات به سبب موقعیت استراتژیک، تجارتی، ترانزیتی و داشتن دو بندر عمده با ایران و ترکمنستان، زمین‌های وسیع زراعتی، رودخانه و منابع طبیعی، در درازنای تاریخ (بویژه تاریخ معاصر) یک منبع مهم درآمد و عواید برای دولت‌های مرکزی افغانستان بوده است. در دوره سلطنت ظاهرشاه، در عهد جمهوری کوتاه داوود خان، در دوره جمهوری دیموکراتیک بعد از کودتای ثور 1357 خورشیدی، در زمان دولت مجاهدین، در دوره اول طالبان، در وقت دولت جمهوری و در دوره دوم طالبان ما شاهد این برجستگی چشمگیر و مهم اقتصادی، تجارتی و درآمد زایی هرات می‌باشیم. هرات را در گذشته جوی طلا و نقره افغانستان می‌گفتند و سرقفلی چوکی‌ها خاصه پست‌های پردرآمد گمرکی این ولایت در کابل خیلی گران بوده است.

وضع بودجه در دور دوم طالبان

طالبان تاکنون ساختار سیاسی و اقتصادی مشخصی ندارند تا دارای بودجه عادی و انکشافی برنامه‌ریزی شده مطابق به نیاز های اقتصاد خرد و کلان باشند. آنان یک چیزی به نام بودجه سرهم بندی کرده اند تا مصارف خود را تأمین کنند.

به گزارش بی بی سی در سال 1401 خورشیدی بودجه حکومت طالبان در کل مبلغ 239 میلیارد افغانی معادل 2 میلیارد و 755 میلیون دالر اعلان شده بود.¹ بر مبنای گزارش اطلاعات روز این مبلغ 203 ملیلیارد افغانی بوده که از آن جمله 203 میلیارد آن بودجه عادی و 27.9 میلیارد آن بودجه انکشافی را دربر می‌گرفته است.² در سه ماه اول سال 2022 بودجه مذکور 54 ملیلیارد افغانی معادل 450 میلیون یورو بوده که تمام آن به مصارف حکومت اختصاص داشته است.³

آنان به هر شکلی که می‌توانند از جامعه و مردم عواید به دست می‌آورند. از طریق مالیات‌ها، عوارض گمرکات، فروش پاسپورت، ع شر و غیره. به فکر انکشاف جامعه، رفع فقر، مرض و مشکلات متنوع مردم نیستند. در نظام طالبانی از بودجه انکشافی منظم کارشناسانه خبری نیست. هدف

¹ بی بی سی، دوم خرداد 1403، 22 مه 2024.

² اطلاعات روز، 9 حوت 1401 مطابق 1 مارچ 2023.

³ یورو نیوز فارسی، 2022/1/12.

اصلی گردآوری مالیات (باج و خراج) برای تأمین مصارف حکومت طالبانی با فشار و زور می‌باشد.

این حکومت از ولایت هرات درآمد هنگفتی گردآوری می‌کند؛ اما از بودجه انکشافی و رفع مشکلات مردم مسئولان طالب چیزی نمی‌گویند و در عوض گفته می‌شود که تمام عواید هرات به قندهار انتقال داده می‌شود. طبق گزارش خبرگزاری‌های جهان از همان روزهای نخست انتقال قدرت به طالبان تاکنون دولت امریکا هفته وار در حدود مبلغ 40 تا 68 میلیون دالر به حکومت طالبان می‌پردازد. گفته می‌شود که طی سه سال مبالغ هنگفتی دالر وارد افغانستان شده است.¹ به این حساب دولت امریکا از طالبان (یا ملیشه های خود) حمایت مستقیم مالی و دالری می‌کند؛ در حالی که انواع تحریم بر بعضی کشورهای جهان اعمال کرده است.

همچنان انسرکشن باریبی مبالغ کمک‌های امریکا را به طالبان بعد از اگست 2021 میلادی 48 میلیارد دالر گفته است که تعجب ایلان ماسک را برانگیخت؛ لیکن مفتش مخصوص کاخ سفید امریکا از مبلغ 21.6 میلیارد دالر یادآوری کرده است که به قول سیگار از آن جمله مبلغ 3.3 میلیارد آن کمک‌های بشردوستانه بوده است.²

¹ صفحه بین المللی افغانستان، یوتیوب، مصاحبه با استاد مسعود توسط حامد ضرابی، سپتمبر 2024 میلادی.

² افغانستان اینترنشنال- 11 قوس 1403 خورشیدی- تعجب ایلان ماسک از کمک‌های چندین میلیاردی امریکا.

دونالد ترامپ رییس جمهور منتخب امریکا به روز سه شنبه هفتم جنوری 2025 میلادی مطابق به هجدهم جدی 1403 خورشیدی چونین اظهار نظر کرد: «این حتا غیر قابل باور است. میلیاردها دالر، نه میلیون‌ها، میلیاردها. چه کسی اساساً برای طالبان افغانستان میلیاردها دالر پرداخت می‌کند؟ و این توسط بایدن پرداخت شده است»¹

لغو نظام بازنشستگی (تقاعد)

نظام بازنشستگی یا تقاعد در کشورهای جهان یکی از بخش‌های مهم زندگی اقتصادی، حمایتی و رفاهی کارمندان در هنگام کهولت سن محسوب می‌شود و دارای ساختارهای مالی و بانکی ویژه است و یکی از منابع مالی و پولی بزرگسالان می‌باشد. کلانسالان طبق قوانین جوامع گوناگون از حقوق، امتیازات و حمایت‌های مالی برخوردار اند. آنان این منبع را با پرداخت بخشی از معاشات در دوران کارمندی به دولت می‌پردازند تا در حسابات مخصوص گردآوری شده و در هنگام بازنشستگی دوباره به آنان پرداخت گردد. این منبع تضمینی مالی برای بخش آخر زندگی است.

طالبان بر خلاف معیارهای داخلی و بین‌المللی، نظام تقاعد یا بازنشستگی را مطابق به دستور ملا هبت الله آخندزاده در برج حمل سال 1303 خورشیدی در افغانستان منحل کردند. به این صورت کارمندان و

¹ صدای امریکا بخش دری - 19 جدی 1403 خورشیدی - انتقاد ترامپ از کمک‌های امریکا به طالبان.

مأمورین تمام ولایات از جمله ولایت هرات سپس هیچ معاش و حقوقی به نام تقاعد دریافت نمی‌کنند. این یک ظلم آشکار و فشار افزون بر زندگی میلیون‌ها بازنشسته و خانواده‌های آنان است. حقوق میلیون‌ها انسان در وقت کلانسالی و زمانی که نیاز به این منبع تأمین دارند، تلف گردیده است. این عمل میل و علاقه به کار را در کارمندان بسی کاهش خواهد داد.

اشتغال و بازار کار

با انتقال قدرت به طالبان بیکاری مخفی و علنی اوج گرفت. بشتربینه کارمندان و مأمورین مسلکی، تحصیلکرده و متخصص از کار برکنار شدند. فرار مغزها اوج گرفت. نیم نفوس افغانستان که زنان می باشند از حق کار، تحصیل و حضور در اجتماع محروم شدند.

طالبان نه تنها زنان را از حضور در سیاست، کار در ادارات، کار در سکتور خدمات، فعالیت‌های هنری و رادیو تلویزیون و حق تحصیل و آموزش دهی محروم کردند؛ بلکه با انتشار قانون امر به معروف و نهی از منکر که شامل یک مقدمه، چهار فصل و 35 ماده می باشد و به امضای ملا هبت الله رهبر طالبان رسیده و در جریده وزارت عدلیه طالبان نشر شده است، علاوه بر پوشیدن تمام بدن، صدا و نگاه زنان هم عورت گفته شده است.

در ماده سیزدهم می‌خوانیم: «ستر تمام بدن زنان الزامی است و پنهان کردن صورت زن به سبب ترس از فتنه ضروری است. صدای زن (بلند خواندن آهنگ، نعمت‌ها و قرائت در مجموع عورت است.» در بند هشتم، ماده سیزدهم چنین آمده است: «هرگاه زن بالغ برای حاجتی ضروری از خانه خویش بیرون شد، مکلف است که صدا، روی و بدن خود را تسر نماید (یا بپوشاند).»

به قول برنامه جهانی غذای اداره سازمان ملل به تاریخ 2024/9/8 میلادی در شبکه ایکس، افغانستان از جمله هرات یکی از دشوارترین مکان‌ها برای زنان و دختران است، چهار میلیون زن و کودک با سوء تغذیه دست و پنجه نرم می‌کنند و اوضاع روز به روز بدتر و دشوارتر می‌شود. تعداد زیادی از زنان تحصیل‌کرده هراتی و آنانی که پول سفر را داشتند، مجبور به ترک دیار شده و به کشور ایران پناه برده‌اند تا دختران شان بتوانند به دانش‌آموزی، دانش‌جویی و تحصیل ادامه دهند.

سیما سمر رئیس سابق کمیسیون حقوق بشر افغانستان این ظلم طالبان بر حق زنان را نوعی از آپاتاید جنسی و برده‌داری در جهان معاصر نامیده است. زنان در افغانستان در حقیقت از تمام حقوق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و مدنی محروم شده‌اند و پس از قرارداد مرموز و ترکیبی ایالات متحده آمریکا با طالبان در قطر، زنان زنده زنده به دست خون‌آلود این گروه افراطی در جلو چشم تمام دنیا در گورستان تاریک افراطیت مورد حمایت استعمار نوین دفن شده‌اند.

می‌توان ماهیت کلی و سرنوشت حال و آینده بازار کار و سیاست اشتغال حکومت طالبان را از روی برخوردشان با نیمی از نیروی کار فعال در یک جامعه که زنان اند، لغو حقوق بازنشستگی و تقاعد و فرار مغزها(نخبگان، تحصیلکردگان، متخصصان و کارشناسان) تحلیل و بررسی کرد و آینده اقتصادی این سرزمین را پیش بینی نمود. پایین آمدن شدید سطح تحصیلی و آموزش و پرورش که ضربه کاری به جریان تربیه کادرهای متخصص است، به ماند به جای خودش.

صادرات و واردات(بیلانس تجارت)

در طول جنگ درازدامن افغانستان که بیش از چهار دهه را در بر گرفته است همواره این کشور بیلانس تجارتي منفي داشته و واردات خيلي بيشتري از صادرات بوده است که علل اصلي آن جنگ، بحران سياسي و اقتصادي مزمن، کمی توليدات داخلی، خشکسالی‌های طولانی و مدیریت ضعیف بوده است. این روند در دوره دوم طالبان نیز ادامه یافته است.

طبق گزارش بانک جهانی در نهم اسد 1402 خورشیدی: کسری تجارتي جنوري تا می ۲۰۲۳ به ۲/۴ میلیارد دالر افزایش یافت.¹ بیشترین عواید حکومت طالبان از عوارض گمرکات خاصه واردات است که بار سنگین آن از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی بر شانه های زخمین مردم می‌افتد.

¹ سه شنبه ۳ میزان ۱۴۰۳، مطابق 2024/9/24، سرویس اقتصاد، اطلس پلاس.

بر مبنای گزارش بانک جهانی بخش عمده یی از صادرات افغانستان، صادرات زغال سنگ به پاکستان بوده است: مجموع صادرات افغانستان از جنوری تا می ۲۰۲۳ به ۰/۷۳ میلیارد دالر رسید که صادرات زغال سنگ بخش اصلی آن می‌باشد.¹ گویند که زغال سنگ افغانستان با قیمت ارزان به پاکستان می‌رود و از آن جا دولت پاکستان با قیمت گران به خارج صادر می‌کند.

تجارت افغانستان بیشتر از طریق بندر تورخم با پاکستان و از طریق بندر اسلام قلعه با ایران صورت می‌گیرد. در سال 2023 میلادی تجارت بین افغانستان و پاکستان در حدود دو و نیم میلیارد دالر بوده است.² طالبان می‌گویند که در پنج ماه اول سال 1423 خورشیدی بیلانس تجارتي افغانستان مبلغ 4.6 میلیارد معاملات را نشان می‌هد که از آن جمله 4.91 میلیارد آن واردات و مبلغ 509 میلیون دالر آن صادرات بوده است.³ سخنگوی وزارت صنعت و تجارت طالبان روز پنجشنبه 24 میزان مطابق به 17 اکتبر 2024 میلادی گفت: در نه ماه سال جاری صادرات و واردات بین کشور ایران و افغانستان به دو میلیارد و 194 میلیون دالر امریکایی رسیده است که از آن جمله 38 میلیون آن صادرات به ایران و دو میلیارد و 156 میلیون آن واردات افغانستان بوده است.⁴

¹ همان جا

² احصائیه اتاق تجارت مشترک افغانستان و پاکستان.

³ وزارت تجارت و صنعت طالبان، بی بی سی فارسی، اوت 2024، مرداد 1403.

⁴ صدای دری امریکا، پنجشنبه ۱۷ اکتبر 2024 مطابق به ۲۶ میزان 1403.

هرات با عواید گمرکی هنگفت بخش عمده‌ی بی از عواید طالبان را تأمین می‌کند. به قول مسئولان گمرک این ولایت در سال 1401 خورشیدی، طی یازده ماه سال گذشته از گمرک اسلام قلعه در حدود 8 میلیارد و 121 میلیون افغانی عواید به دست آمده است. روزانه 350 تا 400 موتر لاری به این گمرک وارد می‌شود.

روز شنبه 27 جولای 2024 میلادی در خیابان مصلی شهر مشهد با تعدادی از تاجران هراتی مصاحبه کردم؛ بر مبنای اظهارات این تاجران، از هرات این اقلام به استان خراسان می‌آید: مغز بادام کوهی، بادام، گردو (جوز، چهارمغز)، خسته زردآلو، کشته، کنجد، تخم هندوانه، کندل، کرابیه، زیره سیاه، تخم ریحان، ممیز (کشمش سیاه)، سرش، بارهنگ، شیرخشت، ترنجبین، ریشه مخ، تخم اسفند، گل بابونه (دُم گوساله)، گل زوفا (کاکوتی)، خاکشیر، انواع سنگ‌های تزئینی و تعمیراتی.

برای این اقلام گاهی مجوز ورود به ایران داده می‌شود و زمانی از ورود آن به ایران توسط مسئولان گمرک جلوگیری می‌شود. گویند که ورود این اقلام گاهی در سطح محدود به طور نیمه رسمی و یا همان تجارت چمدانی صورت می‌گیرد.

همچنان وسایل دست دوم ماشین آلات خارجی نیز از ولایت هرات به ایران می‌آید که طی چند دهه جنگ و تحریم این تجارت به طور نیمه رسمی و قاچاقی ادامه داشته است. همچنان تجارت غیررسمی چای،

گوسفند و گوشت و تریاک نیز از گذشته در بین مرز نشیان دو طرف انجام می‌شده است.

صادرات ایران به هرات شامل انرژی (نفت، گاز و برق)، مواد خوراکی متنوع، پارچه باب، مواد بهداشتی، مواد و وسایل تعمیراتی و غیره. واردات افغانستان از جمله ولایت هرات از ایران خیلی بیشتر از صادرات افغانستان به ایران می‌باشد. تجارت هرات بیشتر با استان خراسان و شهر مشهد صورت می‌گیرد.

به قول مسئولان اتاق تجارت کشور ایران امسال صادرات ایران به افغانستان به مبلغ 4 میلیارد دالر رسیده است و در مقابل صادرات افغانستان به ایران بین 40 تا 50 میلیون دالر بوده است.¹ در بهار سال 1400 خورشیدی در حدود 565 میلیون دالر امتعه یا کالا از ایران به افغانستان صادر گردیده است.² همچنان در همین رسانه می‌خوانیم: در سال 1401 خورشیدی در حدود 1.6 میلیارد دالر صادرات ایران به افغانستان بوده است و در برابر 28 میلیون صادرات افغانستان به ایران عنوان شده است.

در سال 1402 خورشیدی صادرات غیر نفتی ایران به افغانستان نسبت به سال قبل در حدود 13% افزایش داشته است که به 1.771 میلیارد دالر رسیده است. در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ ایران همچنان به عنوان یکی

¹ بی بی سی، 19 اسفند 1399 مطابق به 9 مارس 2021 میلادی.

² خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سرویس اقتصادی، جمعه 6 مهر 1403، (اصل خبر 20 مرداد 1400).

از اصلی‌ترین شرکای تجاری افغانستان باقی مانده است.¹ طی این دوره محصولات متنوعی از ایران به افغانستان صادر شده‌اند که شامل موارد زیر می‌باشد:

فراورده‌های نفتی شامل نفت خام، گازوئیل و سایر تولیدات پالایشی؛ امتعه زراعتی مانند: گندم، جو و دیگر غلات؛ مصالح ساختمان مثل سمنت (سیمان)، تولیدات فلزی و غیره؛ انواع ماشین آلات صنعتی و زراعتی (کشاورزی)؛ تولیدات غذایی شامل انواع روغن‌های خوراکی و مواد غذایی؛ تولیدات پتروشیمی مانند: انواع پلاستیک و مواد کیمیایی (شیمیایی) صنعتی؛ تکه باب و منسوجات، انواع پارچه‌های متنوع جهت استفاده در صنعت پوشاک؛ تولیدات فلزی مثل آهن و فولاد و محصولات ساخته شده از آن؛ برق و وسایل و تجهیزات برقی و صادرات انرژی برق. قسمت عمده‌ی از این صادرات متذکره از جمله برق به ولایت هرات می‌رود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که بیلبانس تجارتی افغانستان از جمله هرات طی سالیان جنگ، بحران و هرج و مرج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منفی بوده و میزان واردات خیلی بیشتر از صادرات بوده است و این جریان تاکنون ادامه دارد.

سرمایه گذاری های داخلی و خارجی

افغانستان در کل و هرات به عنوان یکی از منابع عمده اقتصادی این کشور در درازنای جنگ های ویرانگر و خانمانسوز 45 ساله مکان امن، باثبات و مناسب برای سرمایه گذاری خاصه سرمایه گذاری خارجی نبوده است.

در دوره دوم طالبان اوضاع و شرایط دشوار تر شده است؛ زیرا امارت نام نهاد طالبان نه مشروعیت داخلی و مردمی دارد و نه مشروعیت منطقی و بین المللی؛ زیرا در یک معامله پیچیده و مرموز با امریکا بر مردم تحمیل شده و به دون قانون اساسی و انتخابات، به زور تفنگ بر سرپا نگهداشته شده است.

مردم افغانستان در رعب و وحشت بسر می برند و منطقه و جهان با طالبان تعاملی ناپایدار و محتاطانه دارند. با این وضعیت و شرایط سخن گفتن از سرمایه گذاری خارجی و پروژه های کلان در یک دوره موقت، لرزان و ناپایدار بسی مشکل است.

سرمایه گذاری در یک کشور نیاز به فاکتورهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد که سرمایه گذاران را تشویق کرده و برای شان اعتماد خلق می کند. در این جا به چند فکتور اشاره می کنم:

○ داشتن قانون اساسی که نوع نظام و ساختارهای کلی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را بیان کرده و رابطه مردم با نظام دولتی را طبق قانون

- مشخص می‌کند و قوانین پایدار و واضح موضوعه که به جزئیات و امور لازمه می‌پردازد. حمایت از سرمایه‌گذاران به‌طور قانونی.
- داشتن نظام مالی، بانکی و حقوقی استوار و سالم و نرخ پایین انفلاسیون (تورم)، ثبات پولی و اقتصاد رو به رشد و انکشاف.
 - خلق اعتماد و اطمینان برای سرمایه‌گذاران که دارای و سرمایه‌های شان از نگاه قانونی در درازمدت مصئون و محفوظ می‌باشد.
 - توضیح در مورد اقامت دائم و حق شهروندی که در کشورهای موفق اجرا می‌شود.
 - نبود تبعیض نژادی، زبانی، سمتی و رفع موانع عقیدتی و استبداد سیاسی.
 - نبود افراط‌گرایی، تروریسم و ترس و وحشت.
 - زیربنای لازم و زیرساخت‌های کافی برای اجرای پروژه‌های کلان و خرد.
 - شبکه حمل و نقل خوب و راه‌های مساعد.
 - شرایط و امکانات خوب و کافی برای زندگی، امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، سیستم معارف خوب، نظام صحتی فعال، قوه قضائیه، محاکم و پولیس سالم.
- با این حساب حکومت طالبان با وضعیت کنونی فاصله زیادی با جلب و تشویق سرمایه‌گذاران خارجی دارد. سرمایه‌گذاری درازمدت در معادن و پروژه‌های کلان شرایط لازم بیشتری می‌خواهد که طالبان با نگاه افراطی و توحش کنونی، استبداد، تبعیض، فاشیسم و تاریک اندیشی

موجود و ظلم و ستم بر زنان که نیم جامعه را تشکیل می‌دهند هیچگاه در این میدان موفقیتی به دست آورده نمی‌توانند؛ هرچند جیب‌های بزرگ برای فروش منابع و معادن افغانستان از جمله هرات دوخته اند. افزون بر آن بعد از تسلط طالبان تعداد زیادی از تاجران و سرمایه داران ملی افغانستان را ترک کرده و به کشورهای همسایه و ممالک اروپایی و امریکا مهاجرت کرده اند. طبق مشاهدات عمومی سیل مهاجرت تاجران و سرمایه‌داران در دوره دوم طالبان بیشتر از دوره های پیش بوده است. در زیر به مهاجرت تاجران و سرمایه‌داران هراتی و سرمایه‌گذاری‌های شان در ایران خاصه شهر مشهد توجه کنید.

تاجران، سرمایه‌داران، اهل کسبه و نیروهای ماهر هراتی در مشهد
چونان که در اوراق پیش یادآوری کردم در دور دوم به قدرت آوردن طالبان امواج مهاجرت بیرون مرزی وسیع تر و فرار سرمایه‌ها گسترده تر بوده است. تعداد زیادی از تاجران و سرمایه‌داران هراتی با سرمایه‌های خود به کشور همسایه ایران پناهنده شدند و در ایران بویژه شهر مشهد سرمایه‌گذاری کرده اند. گفته می‌شود که پس از تسلط طالبان بیش از چهار میلیارد دالر در شهر مشهد توسط سرمایه‌داران هراتی سرمایه‌گذاری صورت گرفته است.

زیرا روی کار آمدن مجدد طالبان، در سراسر افغانستان (از جمله ولایت هرات) ترس و وحشت ایجاد کرده و امنیت جان، مال و دارایی مردم را

به خطر انداخته است و زمینه آموزش و پرورش، کار و حضور در جامعه برای زنان و دختران مردم که شامل تاجران و سرمایه‌داران نیز می‌شود به کلی محدود و یا لغو شده است. آنان ترجیح داده اند تا از زندان طالبانی خود و فامیل شان را نجات داده و در ایران نفسی به راحت بکشند و دختران آنان از حق تحصیل و آزادی‌های موجود در ایران بهره مند شوند. اگرچه در ایران هم قوانین روشن مهاجرتی وجود ندارد و سرنوشت مهاجران سال‌هاست که در هاله‌ی بی‌ابهام گرفتار است؛ چونان که جسم و جان آوارگان را آزار می‌هد.

فرصتی پیش آمد تا با آقای محمد مهدی حبیبی مسئول انجمن صنفی بازاری‌های خراسان رضوی در پاساژ حیات واقع در پایین خیابان مشهد به تاریخ 28 جولای 2024 میلادی در مورد سرمایه‌گذاری‌های مهاجران افغانستانی صحبتی داشته باشم.

در ایران خاصه در شهر مشهد مهاجران افغانستانی که بیشترین آنان را هراتیان تشکیل می‌دهند دو نوع سرمایه‌گذاری دارند. سرمایه‌گذاری شرکتی و سرمایه‌گذاری توسط اهل کسبه و بازاری‌ها. سرمایه‌گذاران شرکتی به گونه‌ی بی‌گناه است که شرکت به نام سرمایه‌دار در دفاتر رسمی دولت ایران ثبت می‌گردد و تاجر و سرمایه‌گذار امتیاز نوعی اقامت قانونی را به دست می‌آورد. به طور کل سرمایه‌گذاری‌های شرکتی در سه بخش تقسیم شده می‌توانند.

1- در ابتدا برای تشویق سرمایه‌گذاری مبلغ سرمایه‌گذاری حد اقل در حدود 50 هزار دلار امریکایی بود. تاجر یا سرمایه‌گذار در بدل آن حق یک سال اقامت در ایران را حاصل می‌کرد و این اقامت سپس هر سال تمدید می‌شد. برای ثبت نخستین داشتن پاسپورت قانونی افغانستانی و ویزا ضروری بود. پس از اخذ اقامت شخص مذکور دیگر به آن نیازی نداشت. تاجران و سرمایه‌گذاران می‌بایست هر ساله فاکتورهای مبادلات تجارتي و معاملات اقتصادی ارائه کنند.

2- در کتگوری دوم سرمایه‌گذار مبلغ 250 هزار دلار سرمایه‌گذاری در کارخانه‌های صنعتی، زراعت، ساخت فارم‌ها، شرکت‌های تعاونی و پس انداز ارزی در بانک انجام می‌دهد.

3- در این بخش مبلغ سرمایه‌گذاری بیشتر از 500 هزار دلار است که سرمایه‌گذار بعد از دو سال می‌تواند برای گرفتن تابعیت ایران درخواست کند. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در تمام بخش‌های صنعت، زراعت و تجارت صورت گرفته می‌تواند.

سرمایه‌گذاری‌های اهل کسبه و بازاری‌ها: این نوع سرمایه‌گذاری‌ها طیف بسیار گسترده و متنوعی دارد و در درازنای جنگ چهل و پنج ساله افغانستان همواره توسط مهاجرین و آوارگان صورت گرفته است. تعداد این متشبهین مهاجر خیلی زیاد می‌باشد و در تمام رگ و پود بازار و جامعه ایران خاصه شهر مشهد تنیده اند.

بعد از انتقال قدرت به طالبان بر تعداد آنان بسی افزوده شده است. این بخش بسیار متنوع و گسترده طی سالیان دراز میلیاردها دالر در کشور ایران سرمایه‌گذاری کرده اند و در همه جا حضور و فعالیت دارند. میانگین سرمایه هریک از این طیف رنگارنگ می‌تواند بین یک میلیارد تا صد میلیارد تومان تخمین شود. در این بخش سرمایه‌داران خرده‌پا، دوکانداران و کاسبان، استادکاران و مستری‌ها، دستفروشان و غیره جا می‌گیرند.

این طیف وسیع به هیچ شکلی شناسایی نشده و تحت هیچ نوع قانون و رسمیتی قرار ندارند. از طریق رابط ایرانی امور رسمی را به جا می‌آورند (یعنی یک نفر ایرانی امور رسمی و ارتباط شان را با ادارات دولتی برقرار می‌کند). مالیات می‌دهند. به طور غیرمجاز و غیرقانونی در منازل، زیرزمینی‌ها و اتاق‌های خانه‌ها و همه مکان‌های متنوع مشغول کار و کسب می‌باشند. آقای حبیبی می‌گوید که بیش از 10 هزار سرمایه‌گذار و کسبه در این بخش شامل است.

به نظر نگارنده فشار بر این طیف وسیع و محروم بسیار زیاد است؛ زیرا در شرایط دشوار، وضع نامعلوم و ناپایدار و ساعات طولانی برای زنده ماندن کار می‌کنند؛ اما درآمد بسیار اندکی دارند.

همچنان فریدون سلطانی اهل هرات که سالیان دراز به حیث استاد صافکار ماشین آلات در گراج‌دارای شهر مشهد مشغول کار است می‌گوید: در شهر مشهد در اکثر مستریخانه‌ها و مشاغل میکانیکی موتر و

ماشین‌آلات استادان و شاگردان افغانستانی (که بیشترین آنان هراتی اند) کار می‌کنند. آنان جواز رسمی کار ندارند؛ بلکه جواز شان به نام یک نفر ایرانی ثبت دفتر رسمی ایران می‌شود و به طور غیرمستقیم از طریق واسطه ایرانی امور قانونی و رسمی را در ایران رعایت و اجرا می‌کنند. بر اساس مشاهدات خودم در شورای بازسازی و انکشاف افغانستان مقیم مشهد پیش از سقوط دولت نجیب الله، تعداد چشمگیری از متخصصان، انجینیران، داکتران و فرهنگیان مهاجر در ایران مشغول کار بودند و در آبادانی و شکوفایی این کشور نقش برجسته‌ی بی‌ایفا کرده‌اند.

این جریان جذب نخبگان و کارشناسان مهاجر افغانستانی تا هنوز ادامه دارد و مهاجرت آنان به ایران در دوره دوم طالبان افزایش یافته است. بیشتر کارشناسان، تحصیل‌کردگان و نخبگان افغانستانی، ایران را به عنوان کشور دوم برای رفتن به کشورهای اروپایی، امریکا و کانادا برگزیده‌اند.

جامعه کلان و بس گسترده کارگران مهاجر: مهاجرت برای یافتن کار از گذشته‌های دور در بین افغانستان و ایران جریان داشته و بعد از کودتای هفتم ثور 1357 خورشیدی و آغاز جنگ چهل و پنج ساله در افغانستان در اثر رقابت‌های حاد و کشاکش‌ها بر سر تقسیم منافع و منابع جهان بین سران ناتو و سران ورشو (کشورهای غربی به رهبری امریکا و اتحاد جماهیر شوروی) روز افزون بوده است که ادامه آن پس از انتقال

قدرت به طالبان در اوضاع و شرایط متشنج جهانی و منظوقوی کنونی، دوباره اوج گرفته است.

این کارگران در دوران جنگ ایران و عراق خلای موجود در بازار کار ایران را پر کردند؛ زیرا جوانان ایرانی برای دفاع از سرزمین مادری و جنگ با سربازان عراقی راهی جبهات جنگ می‌شدند. نقش دستان پینه بسته بی این کارگران در همه جای ایران نمایان است و عرق جبین شان در سراسر این سرزمین چکیده است. در حقیقت قسمت بزرگی از ایران طی چند دهه اخیر به نیروی بازوی این کارگران آواره آباد شده است.

طبق اجازه غیر مستقیم دولت ایران این کارگران عادی می‌توانند در امور شاقه مانند: کوره‌پزخانه یا داش‌های خشت و آجر، دباغی‌ها، کارخانه‌های سیمان، امور ساختمانی، چاه‌کنی و دیگر کنندکاری‌ها، راه‌سازی، زراعت، باغات، بارکشی و حمالی، تنظیفات و پاککاری و غیره کار کنند.

برای این کارگران کارت کارگری داده می‌شود. کارت‌های شناسایی هم هویت آنان را نشان داده می‌تواند. آخرین برگه شناسایی برای مهاجران افغانستانی در سال 2024 میلادی صادر شده است. این کارگران از امتیاز قوانین کار و حق بیمه محروم می‌باشند.

بر مبنای گفته‌ی معاون امنیتی و انتظامی وزیر داخله‌ی ایران، در حدود 4 میلیون و 500 هزار مهاجر قانونی و حدود 2 میلیون مهاجر غیرقانونی افغانستانی در حال حاضر در کشور ایران زندگی می‌کنند.¹

پروژه لوله‌ گاز تاپی

هدف از طرح این پروژه اعمار لوله‌ انتقال گاز ترکمنستان به کشور هند می‌باشد. درازی این خط از شمال به جنوب آسیا حدود 1814 کیلومتر برآورد شده است که 736 یا 816 کیلومتر آن در افغانستان از ولایات هرات، فراه، نیمروز، هلمند و قندهار عبور کرده و وارد پاکستان می‌شود و در خاک پاکستان از کویته مرکز استان سیستان و بلوچستان و حوزة ملتان گذشته به منطقه‌ مسکونی فاضلکا در ایالت پنجاب کشور هندوستان می‌رسد. گویند که مجموع هزینه‌ ساخت آن 7.6 میلیارد دالر تخمین گردیده است که 85 فیصد آن را ترکمنستان می‌پردازد.

طرح نخستین این پروژه در دوره‌ اول طالبان بمیان آمد و رقابت بین شرکت یونیکال (Unocal) ایالات متحده‌ امریکا و شرکت بریداس (Bridas Corporation) امریکای لاتین جریان داشت. گفته می‌شود که شرکت یونیکال پشتیبان پاکستان و طالبان بوده است.

افتتاح پروژه به تاریخ چهارم حوت 1396 خورشیدی در عهد ریاست جمهوری اشرف غنی (که وابسته به امریکا بود)، با حضور مقامات

¹ خیرگزاری اسپوتنیک، بخش افغانستان، 30 جنوری 2025 میلادی.

ترکمنستان، هند، پاکستان و افغانستان صورت گرفت و به سبب ناامنی‌ها شروع آن به تأخیر افتاد؛ اما در دوره دوم طالبان به تاریخ چهارشنبه یازدهم سپتامبر 2024 میلادی مطابق به 21 سنبله 1303 خورشیدی آغاز کار آن اعلان گردید.



نقشه مسیر عبور لوله گاز تاپی¹

در این اوضاع و شرایط منطقی و بین المللی فروشندگان عمده انرژی و گاز به عنوان رقیبان اصلی این پروژه تا حدودی مصروف می‌باشند؛ روسیه با نقشه آمریکا و اروپا درگیر جنگ با اوکراین است و ایران با پلان مشترک آمریکا و اسرائیل مصروف مناقشات و درگیری‌های شرق میانه شده است. به این ترتیب میدان برای پاکستان و آمریکا خالی تر به نظر می‌رسد.

¹ اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده آمریکا، مربوط به وزارت انرژی آن کشور.

از طرف دیگر رقابت اصلی و پیچش قضیه در بین پاکستان و هندوستان است. هدف ترکمنستان فروش گاز به بازار بزرگ هند می‌باشد؛ اما هدف استراتژیک پاکستان بیشتر جنبه سیاسی دارد و آن کنترل یکی از منابع احتمالی انرژی هندوستان بوده می‌تواند تا در زمان لازم با بسته کردن شیر گاز رقیب اصلی خود را زیر فشار قرار دهد. برای افغانستان در هر حال مفید است؛ زیرا یک عاید ترانزیتی وارد خزینه آن می‌شود. هنوز تطبیق این پروژه در هاله بی از ابهام است.

رسول پویان

2025/01/31